

نقش خودپنداره در موفقیت تحصیلی دانش آموزان با تکیه بر وظایف معلمان



فاطمه حسینی دولت آبادی
عضو هیات علمی دانشکده علوم انسانی - دانشگاه گیلان

مقدمه

خود می پردازند و هم به قضاوت دیگران راجع به خود اهمیت می دهند.

در سال های اخیر توجه به «مفهوم خود» در نزد متخصصان تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار گرفته است. هدف اصلی نوشتار حاضر پرداختن به مفهوم خود و ارتباط میان مفهوم خود و عملکرد تحصیلی است و هدف بعدی که جنبه کاربردی دارد، پرداختن به نقش معلمان در ایجاد خودپنداری مثبت در دانش آموزان است.

تعریف مفهوم خود

خود پنداری به معنی دید جامع فرد درباره خودش است (گلاور، ۱۳۸۲، ص ۲۴۵). رشد مفهوم خود از اوایل طفولیت

در نگاه کلی، عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان به دو دسته بیرونی و درونی قابل تقسیم اند. از میان عوامل بیرونی می توان به موقعیت یادگیری، مشارکت دانش آموزان در امر یادگیری، گروه همسالان، کتاب های درسی، وسایل کمک آموزشی، روش تدریس معلم و پاداش های معلم اشاره کرد. هم چنین عواملی مانند: آمادگی دانش آموز، هوش عمومی، استعداد، انگیزه، نیاز به پیشرفت و خودپنداره را به عنوان عوامل درونی مطرح کرد.

یکی از مهم ترین عوامل درونی «خودپنداره» است؛ چنان که دانش آموزان در محیط مدرسه، هم به قضاوت درباره



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶
شماره ۳۳۱ - ۳۳۰



انجام تکالیف درسی، مانند دانش آموز خوب عمل می کنند.

ارتباط میان خود و عملکرد تحصیلی

در دوره های اخیر، این نظریه که فقط استعداد فرد به عنوان تنها عامل موفقیت در تحصیل باشد، مورد تردید قرار گرفته و دیدگاهی که در آن بر تصور دانش آموز از خود و توانایی هایش توجه شده، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.

تصور مثبت فرد راجع به خود، نه تنها می تواند در مدرسه رفتن او تأثیر بگذارد بلکه این تصور عاملی مثبت در جهت رسیدن به کمال مطلوب در امر تحصیل نیز می باشد و «بر عکس، دانش آموزانی که احساس خوبی درباره توانایی های خود ندارند، حتی بدون توجه به نژاد و رنگ پوست، به ندرت در فعالیت های مدرسه ای خود موفق اند» (پرکی، ۱۳۷۸، ص ۳۶ و ۳۵).

هنگامی که فرد تصور خوبی درباره خود دارد احساس می کند که موجودی تواناست و با اطمینان فکر می کند، از این رو می کوشد که رفتاراش توأم با موفقیت باشد تا بعدها موجب افزایش احساس ارزشمندی اش شود، اما بر عکس، دانش آموزی که خود را ناموفق بداند عملکرد تحصیلی اش نیز پایین تر از سطح استعداد و توانایی های ارثی اش است. یعنی این دانش آموز در واقع توانایی موفق شدن را دارد اما به دلیل عواملی غیر از هوش، نمی تواند به حد مورد انتظار برسد، زیرا معتقد است که ناتوان است.

وقتی فرد احساس بی لیاقتی یا بی کفایتی می کند، یعنی احساس می کند نمی تواند چیزی را یاد بگیرد، در نهایت در انجام تکالیف جدید نیز احساس درماندگی و ترس از خود بروز می دهد.

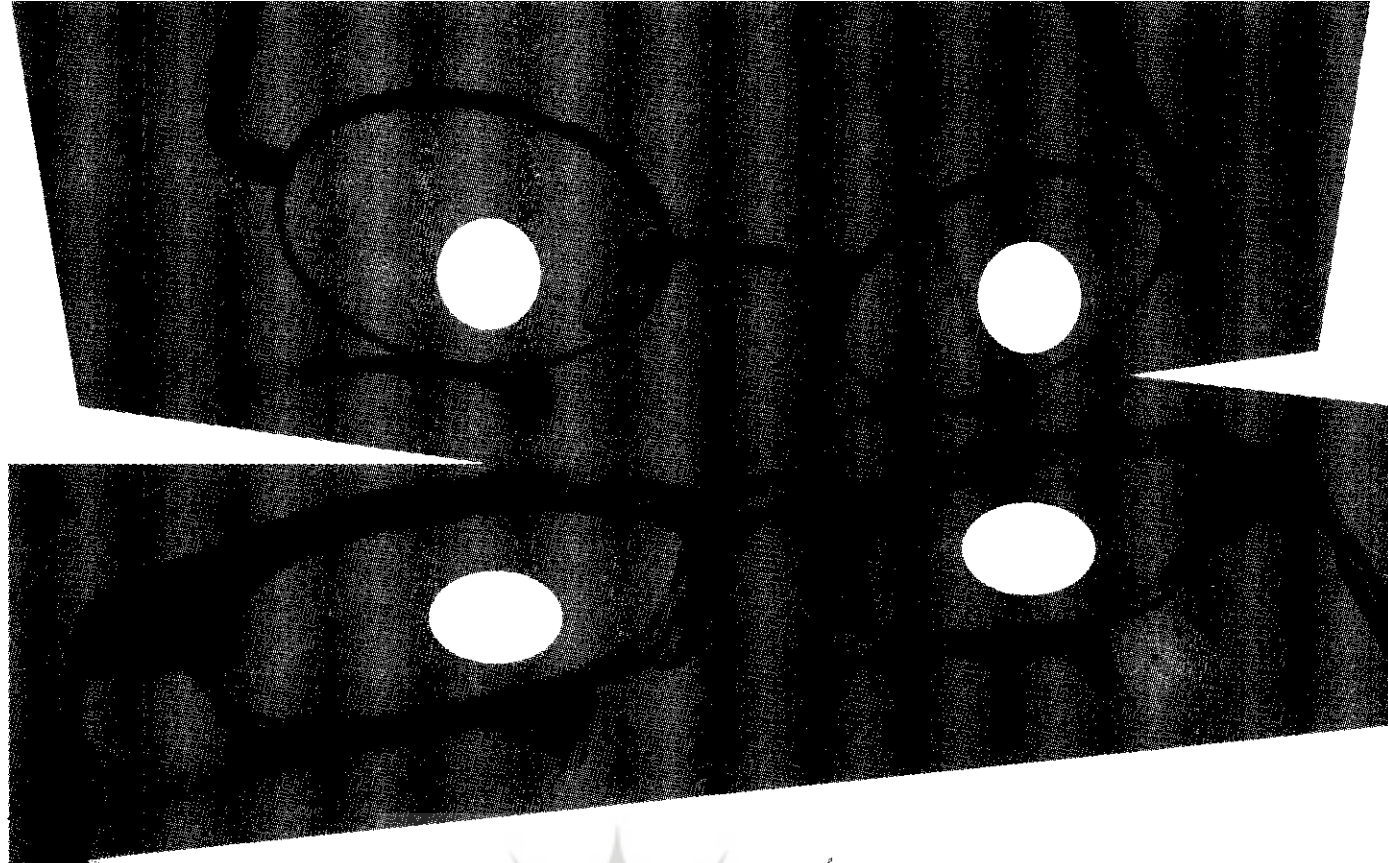
(۲ تا ۶ ماهگی) آغاز می شود. این دید شامل ویژگی هایی است که فرد درباره خود تصور می کند. کودکان در حدود هجده ماهگی در برابر آینه واکنش خود آگاهانه از خود نشان می دهند. رفتارهایی مانند شکلک در آوردن، رفتار بیجان، خجالتی بودن، شرمسار شدن، همه مثال ها و نشانه هایی از چنین خود آگاهی است. از سن ۸ سالگی کودک می تواند خود را توصیف کند. «در سن و سال نوجوانی، خودانگاره فرد کامل تر و انتزاعی تر می شود و نه تنها شامل توصیف صفات او (مانند: حالات، باورها و ارزش ها)، بلکه دربرگیرنده دانش وی درباره چگونگی تعامل این ویژگی ها با یکدیگر و عواملی است که بر رفتار او تأثیر می گذارد» (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵).

هر فرد با توجه به شناخت و درکی که از خود پیدا می کند یک ارزش عمومی برای خود قائل می شود که همان «عزت نفس» است. بنابراین، فرد هر عقیده ای را براساس مفهومی که از خود درک کرده است، مورد تفسیر قرار می دهد.

نتایج تربیتی و آموزشی مفهوم خود

«افراد در هیچ جای دیگر (مانند زندگی شغلی، به عنوان یک کارگر، عضو خانواده یا حتی شهروندی که به فعالیت های تفریحی می پردازد)، به اندازه مدرسه توسط خود و دیگران مورد قضاوت نمی گیرند» (بلوم، ۱۳۶۳، ص ۱۶۱). به این معنی که مثلاً وقتی دانش آموز در مدرسه نمره خوب نمی گیرد، در مجموع احساس بی لیاقتی می کند. دانش آموزانی که وضع درسی خوبی ندارند و انتظارشان نیز در همان حد است، از آن هایی که از نظر درسی کار خوبی انجام می دهند اما خود چنین انتظاری ندارند، راضی تر و خوشنودترند.

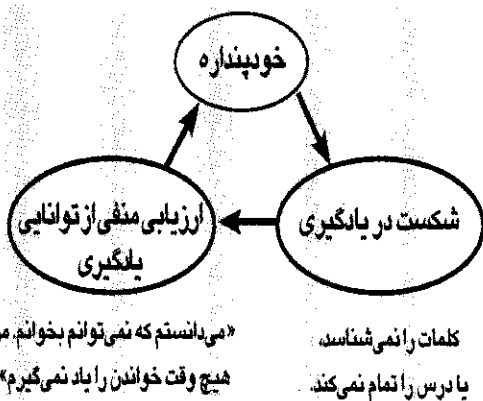
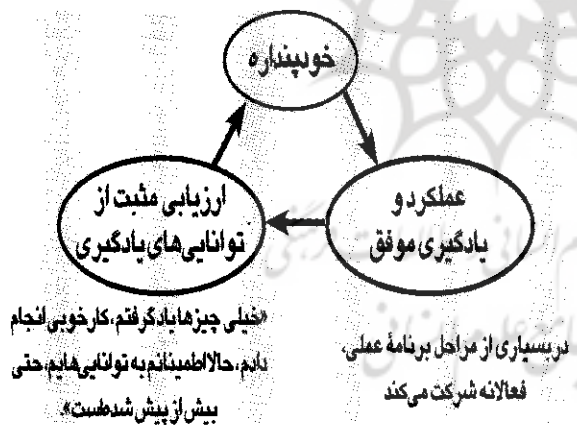
در مجموع رابطه ای بین نوع هدفی که دانش آموز آن را دنبال می کند و شکل گیری خودپنداره اش وجود دارد. دانش آموزانی که خود را از نظر تحصیلی ناموفق و ناتوان می دانند، با رفتاری مثل درس نخواندن، در جهتی همسان با این دیدگاه عمل می کنند.



آموزش، پدیده شناخته شده‌ای است؛ شاگردی که قبلاً چندین بار در مدرسه شکست خورده است، نگرش‌هایی نظیر: «منی نتوانم انجامش بدهم...» یا «هیچ فایده‌ای ندارد که باز هم سعی کنم» از خود نشان خواهد داد و در نتیجه، در تمام تکالیفی که با تردید انجام می‌دهد، تقریباً به‌طور قاطع شکست خواهد خورد. مگر این که زمانی حس تازه‌ای نسبت به ارزش و قدرت خود به دست آورد که بتواند شکافی در این چرخه باطل ایجاد کند. بر اساس تحقیق «گلد برگ ۲» که به بررسی افراد ناموفق در امر تحصیل در کلاس‌های ۹ تا ۱۲ پرداخت، «فرد ناموفق تحصیلی چنین می‌پندارد که توان کمی در انجام کارهای خواسته شده از طرف مدرسه، علاقه به یادگیری، اعتماد به نفس و پیشرفت‌طلبی دارد» (پرکی، ۱۳۷۸، ص ۴۲). بنابراین باور توانایی فرد، به تنهایی، به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده در موفقیت تحصیلی افراد به شمار می‌آید. وقتی فرد باور داشته باشد که «می‌تواند»، موفق هم می‌شود.

وقتی انسان در حال بررسی فعالیتی است یا به آن مشغول است، قضاوت‌هایی نیز از توانایی خود در انجام وظایف گوناگون و شرایط آن‌ها به عمل می‌آورد. این قضاوت‌ها که در باره کارآمدی فرد است بر تفکر، هیجان و عمل فرد مؤثر است.

چرخه زیر ارتباط میان خودپنداره و پیشرفت تحصیلی را نشان می‌دهد (کلمز ۱۳۷۳، ص ۲۹ و ۳۰):



به نظر می‌رسد با توجه به مطالعات انجام شده باید بپذیریم که با بالا رفتن خود پنداره مثبت، می‌توان اثرهای اصلاحی بر روی امور و موفقیت‌های تحصیلی را ملاحظه کرد و بر عکس.

وظایف معلمان در توجه به مفهوم خود دانش آموزان

«پیشرفت تحصیلی به معنای مقدار یادگیری آموزشگاهی فرد است، به طوری که بتوان عوامل مؤثر بر آن را در دو مقوله عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی و عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار داد (سلیمان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶). معلم به عنوان یکی از عوامل اصلی مربوط به مدرسه است که می‌تواند بر روی عوامل درونی مربوط به تفاوت‌های فردی در دانش آموز تأثیر بگذارد.

بنابراین معلمان در شکل‌گیری مفهوم خود واقعی در دانش آموزان می‌توانند از تدابیری استفاده کنند. اقدامات زیر در همین مسیر مطرح می‌شود:

۱- اولین قدم، جلوگیری معلمان از تلقین خودپنداره منفی در دانش آموزان است. چهره نامطلوب بعضی از مدارس می‌تواند به وسیله معلماتی که به این مسئله واقفاند و درصدد ایجاد تغییراتی در شرایط موجودند، تغییر یابد. در همین ارتباط، کاربرد کلمات و نوع مدیریت کلاسی توسط معلمان می‌تواند به موفقیت و اعتماد به نفس دانش آموزان کمک کند. پس معلمان می‌توانند چنان تدریس کنند که ضمن رعایت اهداف عادی تدریس، تغییراتی مطلوب نیز در تصور و پنداشت دانش آموزان نسبت به خود و توانایی‌هایشان ایجاد کنند.

«آبراهام مزلو» می‌گوید: «اجازه بدهید مردم این مسئله را به طور واضح درک کنند که هر گاه آن‌ها کسی را مورد تهدید، توهین، یا به‌طور غیرضروری هدف صدمه قرار دهند... گرچه نیروهای کوچکی باشند، سبب به وجود آوردن آسیب روانی می‌شوند» (پرکی، ۱۳۷۸، ص ۷۳).

فرد شکست خورده تحصیلی، احساس منفی نسبت به خود و توانایی‌هایش را به حوزه فراتری نیز تسری می‌دهد، چنان‌که در مواردی فرد شکست خورده تحصیلی احساس می‌کند که دیگران نیز برای او ارزش و اهمیت کمتری قائل‌اند.



وقتی معلمین ضرورتاً نگرش‌های مثبت درباره خودشان داشته باشند در شرایط خیلی بهتری به پدید آوردن خودپنداره‌های مثبت و واقعی در دانش‌آموزان کمک می‌کنند

قابل توجهی تحت تأثیر نظریات دیگران راجع به خود قرار دارند. «پیاژه» این جریان را بدین صورت بیان می‌کند: «هر کس در مورد خود همان رفتاری را به کار می‌برد که از دیگری کسب کرده است» (محسنی، ۱۳، ص ۱۱۷).

طرقی که دانش‌آموز از طرف افراد مهم ارزشیابی می‌شود، مستقیماً در موفقیت تحصیلی‌اش مؤثر است. بنابراین، مخصوص در مقطع ابتدایی، معلمان، به‌عنوان افراد مهم، باید به شکل‌های مثبت به دانش‌آموزان بنگرند و از آن‌ها انتظارات مناسب داشته باشند.

تحقیقات متعدد بر اهمیت اعتماد معلم به دانش‌آموز تأکید دارد. «بروک اور» و همکارانش (پرکی، ۱۳۷۸، ص ۷۸) مطالعه‌ای ۶ ساله بر روی دانش‌آموزان کلاس ۷ تا ۱۲ انجام دادند. این تحقیق نشان داد وقتی معلم عقیده داشته باشد که دانش‌آموزانش می‌توانند موفق شوند، به نظر می‌رسد که دانش‌آموزان نیز موفق‌تر عمل می‌کنند و بالعکس.

در تحقیقی دیگر، باورهای ذهنی نوجوانان نسبت به ارزیابی معلمانشان از آن‌ها، با ادراک واقعی معلمان از آن‌ها مورد مقایسه قرار گرفت. «این نوجوانان دانش‌آموز معتقد بودند که ادراکات معلمانشان مشابه ادراک خودشان است» (بیابانگرد، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷ و ۱۱۶).

۴- چهارمین قدم، توجه به تأثیر شخصیت معلم در دانش‌آموزان است. «اگر معلمان گرم و انعطاف‌پذیر باشند و به آرامی دانش‌آموزان را منضبط کنند، دانش‌آموزان هم احساساتشان را بیشتر بیان می‌کنند و به راحتی در بحث‌های کلاسی شرکت کرده، احساس استقلال می‌کنند» (ماسن، ۱۳۷۰، ص ۴۸۶).

در دانش‌آموزانی که انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی شان

ما معمولاً تحت تأثیر کسانی قرار می‌گیریم که از موقعیت مهمی در نزد ما برخوردار باشند. در نتیجه دانش‌آموزان همواره تحت تأثیر نظر معلمان به عنوان افراد مهم قرار دارند. «معلم در این جا به صورت يك خود «دیگر خواه» عمل می‌کند (جویس، ۱۳۷۳، ص ۳۹۰) و به طور غیرمستقیم این پیام را به دانش‌آموزان می‌دهد که کدام يك از افکار و احساساتشان قابل قبول است.

۲- در دومین قدم، توجه به اعتقاد معلم درباره خودش است. نگرش معلم درباره خودش و دیگران اگر مهم‌تر از روش تدریس، مواد آموزشی و تمرین‌های کلاسی نباشد، امری قابل توجه است. چنان‌که بعضی از روان‌شناسان از جمله «راجرز» (۱۹۶۵) گزارش داده‌اند: «تغییرات شخصیت در فرایند درمان از عواملی چون کارایی‌های حرفه‌ای و تربیتی، دانش و مهارت یا شناخت ایدئولوژیکی ناشی نمی‌شود، بلکه در درجه اول به علت ویژگی‌های نگرشی حاکم بر روابط می‌باشد. نگرش‌ها نقش مهمی را بازی می‌کنند (پرکی، ۱۳۷۸، ص ۷۶). به این معنا که ارتباط قابل توجهی بین طریقی که فرد خودش را می‌بیند و طریقی که به دیگران می‌نگرد، وجود دارد. وقتی معلمین ضرورتاً نگرش‌های مثبت درباره خودشان داشته باشند در شرایط خیلی بهتری به پدید آوردن خودپنداره‌های مثبت و واقعی در دانش‌آموزان کمک می‌کنند. در نتیجه معلمان نیاز به يك نگرش ضرورتاً مثبت درباره خود دارند.

خودپنداره معلمین، عمل لازم برای تطبیق با احساساتشان و در نتیجه مؤثرتر بودن در کلاس درس است. بنابراین ما نیاز به ایجاد محیط‌های مشاوره، گروهی و آموزش ضمن خدمت برای معلمان داریم که در طی آن‌ها نگرش‌ها و احساسات معلمین با کمک دیگران کشف شود. امید است که این عمل باعث افزایش درک و حساسیت افراد نسبت به شناخت خودشان و بالاخره آموزش مؤثرتر در کلاس درس گردد.

۳- سومین قدم، لزوم توجه به اعتقادات معلمان درباره دانش‌آموزان است. در جریان رشد مفهوم خود، افراد به میزان



پژوهش

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶
شماره ۳۳۱ - ۳۳۰



وقتی معلم عقیده داشته باشد که دانش‌آموزانش می‌توانند موفق شوند، به نظر می‌رسد که دانش‌آموزان نیز موفق‌تر عمل می‌کنند و بالعکس.

راههای انتقال انتظار معلم به دانش‌آموزان

- در صورتی معلم دارای انتظار واقعی از دانش‌آموز است که در برآوردهای خود از روش‌های زیر بهره بیشتری ببرد:
- ۱- به ابراز رفتار دوستانه نسبت به دانش‌آموز بپردازد.
 - ۲- با وجود جدیت در کار، به‌موقع هم از لبخند استفاده کند.
 - ۳- احساسات مثبت بیشتری نسبت به دانش‌آموزان کلاس، به خصوص دانش‌آموزان درس خوان، ابراز کند.
 - ۴- دربرخورد با دانش‌آموزانی که در پاسخ‌گویی ناتوان‌اند، سوآلش را دوباره تکرار کند یا به آن‌ها در پاسخ‌دهی کمک کند.
 - ۵- به دانش‌آموزانی که در بحث‌های کلاسی فعال‌ترند، توجه بیشتری داشته باشد.

بدین ترتیب، دانش‌آموزی که معلم از او انتظار بیشتری دارد، خودش نیز با تلاش بیشتر به سؤال‌ها پاسخ می‌دهد. اما دانش‌آموزی که کمتر از او انتظار دارد قادر به این کار نیست. پس انتظار از دانش‌آموز از جمله شرایط یادگیری است. به همین دلیل است که «جویس» معتقد است: اگر ما به عنوان معلم برای ایشان (شاگردان) فرصت یادگیری فراهم سازیم، می‌توانند به طرق مختلف توان یادگیری خود را افزایش دهند» (جویس ۱۳۷۳، ص ۴۰۹).

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل درونی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، خودپنداری است. مفهوم خودپنداری عبارت از مجموعه برداشت‌هایی است که فرد از خود دارد. عزت نفس یا ارزش گذاشتن به خود نیز در همین مسیر مطرح می‌شود. هر فرد به گونه‌ای رفتار می‌کند که با درک او از خودش مطابقت داشته باشد. رفتار کسی که خود را براننده کاری می‌داند، با فرد دیگر متفاوت است.

به نظر می‌رسد که دانش‌آموز در هیچ‌جا به اندازه مدرسه مورد قضاوت خود و دیگران قرار نمی‌گیرد. در دوره‌های اخیر این که استعداد فرد به تنهایی عامل موفقیت تحصیلی باشد، مورد تردید قرار گرفته و بر روی خودپنداره تحصیلی و تأثیر آن در انگیزه پیشرفت تحصیلی تکیه شده است.

کم است، اگر روابط معلمان با آن‌ها همراه با گرمی و تا حدی سهل‌گیری باشد، می‌توان از طریق شخصیت دادن به آنان موجب پیشرفت تحصیلی‌شان شد و در همین حال، معلماتی که بسیار سخت‌گیرند و به شدت به کنترل کلاس می‌پردازند، با ایجاد ترس و تردید در دانش‌آموزان می‌توانند از تصور مثبت دانش‌آموزان کم کرده، در نتیجه مانع پیشرفت تحصیلی مطلوب ایشان شوند.

۵- پنجمین قدم، لزوم توجه به انتظارات واقعی از دانش‌آموزان است. انتظاراتی که معلم از توانایی‌های دانش‌آموزانش دارد در چگونگی پیشرفت آن‌ها در مدرسه مؤثر است. انتظارات معلم در شرایط خاص ممکن است در انگیزه تحصیلی، میزان یادگیری، انتظار موفقیت و حتی عزت نفس دانش‌آموزان نیز تأثیرگذار باشد. معلمان با انتظار غیرواقعی و بالاتر از توان دانش‌آموزانشان، به راحتی مانع پیشرفت تحصیلی آن‌ها می‌شوند؛ در حالی که اگر انتظارات در حد توان ایشان باشد و از عهده انجام تکالیف درسی برآیند، با ایجاد اعتماد به نفس و تصور مثبت از خود از آمادگی بیشتری به منظور پیشرفت تحصیلی بعدی برخوردار خواهند بود. به این ترتیب می‌توان حتی دانش‌آموزان ضعیف را هم گام به گام هدایت کرد.

دست آوردن موفقیت کامل.

بی‌نوشت‌ها:

- 1- Self-Concept
- 2- Self-Esteem
- 3- Goldberg
- 4- Abraham H. Maslow

فهرست منابع:

- بلوم، بنجامین س (۱۳۶۳). ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشگاهی. ترجمه علی اکبر سیف. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۷). روان‌شناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پرکی، ویلیام دیلو (۱۳۷۸). خودپنداری و موفقیت تحصیلی. ترجمه دکتر سید محمد میرکمالی. تهران: نشر بسطرون.
- جویس، بروس و همکاران (۱۳۷۳). الگوهای تدریس، ترجمه محمد رضا برنجی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلیمان‌نژاد، اکبر و شهرآری، مهرناز (۱۳۸۰). ارتباط منبع کنترل و خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- کلمز، هریس و همکاران (۱۳۷۳). روش‌های تقویت عزت نفس در نوجوانان. ترجمه پروین علی‌پور. مشهد: آستان قدس رضوی.
- گلاور، جان ای و برونینگ، راجراج (۱۳۸۲). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه علینقی فرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لارنس، پروین (۱۳۷۳). روان‌شناسی شخصیت. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: نشر رسا.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۰). روان‌شناسی رشد (۲). تهران: سمت.
- ماسن، هنری و همکاران، (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
- محسنی، نیکچهره (۱۳۸۵). ادراک خود. تهران: انتشارات بعثت.

با توجه به مطالعات انجام شده مشخص گردیده که تغییر در مفهوم خود، با موفقیت تحصیلی همراه است. خودپنداری تحصیلی و انگیزه پیشرفت تحصیلی با نوع عواملی که افراد به موفقیت‌های خود نسبت می‌دهند وابسته است. یعنی دانش‌آموزی که خود را موفق می‌داند، موفق‌تر است و بر عکس دانش‌آموزی که خود را ناتوان می‌بیند، ناموفق‌تر.

در شکل‌گیری مفهوم خود واقعی دانش‌آموزان، گروه‌هایی نظیر والدین و معلمان از نقش بالاتری برخوردارند. در این جا بر نقش معلمان تکیه شده است، بنابراین معلمان با توجه به تأثیری که بر روی دانش‌آموزانشان دارند، با داشتن دید مثبت نسبت به آن‌ها، جلوگیری از ایجاد خودپنداری منفی و در ضمن داشتن روابط انعطاف‌پذیر، خواهند توانست با ایجاد خودپنداره مثبت در شاگردان، در موفقیت تحصیلی ایشان از سهمی قابل توجه برخوردار باشند.

پیش‌نهادهای

- ۱- مراکز آموزشی به جای تأکید بر عوامل بیرونی، به نقش عوامل درونی مؤثر بر تحصیل بیش‌تر توجه کنند.
- ۲- معلمان به دانش‌آموزان خود فرصت دهند تا در امور کلاس مشارکت کنند.
- ۳- معلمان به دانش‌آموزان خود اجازه دهند که احساسات خود را بیشتر بیان کنند.
- ۴- معلمان فضایی گرم و پذیرا در کلاس فراهم کنند.
- ۵- معلمان در کلاس درس مقررات روشن برای شاگردانشان وضع کنند.
- ۶- معلمان از روش‌های تشویقی و ویژه‌ای برای دانش‌آموزان ضعیف استفاده کنند.
- ۷- معلمان در کلاس بر بهبود شناخت واقعی دانش‌آموزان از خودشان تکیه کنند.
- ۸- معلمان با در نظر گرفتن اهداف آموزشی، سطح توقع خود را با توجه به توان دانش‌آموزانشان بیان کنند.
- ۹- معلمان به میزان پیشرفت دانش‌آموز توجه کنند، نه به